عنوان:

توصیه امام امت در خصوص ماه شعبان المعظم

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-397 |
| رده | تزکیه‌ای/مباحث معرفتی/مناسبت ها/مناسبت های قمری |
| برچسب | شعبان المعظم، مناجات شعبانیه، آمادگی برای ماه رمضان، جهاد اکبر، خودسازی، امام خمینی(ره) |
| توضیحات |  |

امام خمینی(ره):

 در اين ماه شعبان‏ با «مناجات شعبانيه»[[1]](#footnote-1)- كه از اول تا آخر اين ماه دستور خواندن آن وارد شده- خداى تبارك و تعالى را هيچ مناجات كرديد؟

و از مضامين عالى و آموزنده آن در ايمان و معرفت بيشتر نسبت به مقام ربوبيت استفاده نموديد؟ درباره اين دعا وارد شده كه اين مناجات حضرت امير عليه السلام و فرزندان آن حضرت است؛ و همه ائمه طاهرين عليهم السلام، با آن خدا را مى‏خوانده‏اند. و كمتر دعا و مناجاتى ديده شده كه درباره آن تعبير شده باشد كه همه ائمه علیهم السلام آن را مى‏خوانده‏اند و با آن خدا را مناجات مى‏كرده‏اند. اين مناجات در حقيقت مقدمه‏اى جهت تنبه و آمادگى انسان براى پذيرش وظايف ماه مبارك رمضان مى‏باشد؛ و شايد براى اين باشد كه به انسان آگاه ملتفت انگيزه روزه و ثمره پر ارج آن را تذكر دهد.

ائمه طاهرين عليهم السلام، بسيارى از مسائل را با لسان ادعيه بيان فرموده‏اند. لسان ادعيه با لسانهاى ديگرى كه آن بزرگواران داشتند و احكام را بيان مى‏فرمودند خيلى فرق دارد. اكثرا مسائل روحانى، مسائل ماوراء طبيعت، مسائل دقيق الهى و آنچه را مربوط به معرفة اللّه است، با لسان ادعيه بيان فرموده‏اند. ولى ما ادعيه را تا آخر مى‏خوانيم و متأسفانه به اين معانى توجه نداريم، و اصولا نمى‏فهميم چه مى‏خواهند بفرمايند.

در اين مناجات مى‏خوانيم:

 **الهى هب لي كمال الانقطاع إليك؛ و انر ابصار قلوبنا بضياء نظرها إليك، حتّى تخرق ابصار القلوب حجب النور، فتصل إلى معدن العظمة و تصير ارواحنا معلّقة بعزّ قدسك.**

« بار الها، گسستگى كامل از جهان و توجه به سوى خودت را ارزانيم فرما، و چشم دلهايمان را با پرتو ديدار خودت روشن گردان تا ديده دلها پرده‏هاى نور را بدرد و به معدن عظمت و جلال برسد و جانهايمان به درگاه عزّ قدس تو تعلق گيرد.»

اين جمله الهى هب لي كمال الانقطاع إليك شايد بيانگر اين معنا باشد كه مردان آگاه الهى بايد پيش از فرارسيدن ماه مبارك رمضان خود را براى صومى كه در حقيقت انقطاع و اجتناب از لذات دنياست (و اين اجتناب به طور كامل همان انقطاع إلى اللّه مى‏باشد.) آماده و مهيا كنند. كمال انقطاع به اين سادگى حاصل نمى‏شود. احتياج فوق العاده به تمرين، زحمت، رياضت، استقامت و ممارست، دارد تا بتواند با تمام قوا از ما سوى اللّه منقطع گردد و به غير خداوند توجهى نداشته باشد. تمام صفات وارسته انسانى در انقطاع كامل إلى اللّه نهفته است. و اگر كسى بدان دست يافت، به سعادت بزرگى نايل شده است. ليكن با كوچكترين توجه به دنيا محال است انقطاع إلى اللّه تحقق يابد. و كسى كه بخواهد روزه ماه مبارك رمضان را با آن آدابى كه از او خواسته‏اند انجام دهد، لازم است انقطاع‏ كامل داشته باشد تا بتواند مراسم و آداب مهمانى را به جا آورد، و به مقام ميزبان تا آنجا كه ممكن است عارف گردد.

آيا اين ناسپاسى و نمك ناشناسى نيست كه انسان سر سفره مولاى خويش بنشيند، و با اعمال و كردار گستاخانه و بى‏ادبانه خود نسبت به ميزبان محترم كه ولينعمت او مى‏باشد اهانت و جسارت كند، كارهايى را كه نزد ميزبان زشت و قبيح است مرتكب گردد؟

مهمان بايد لا اقل ميزبان را بشناسد و به مقام او معرفت داشته باشد، و به آداب و رسوم مجلس آشنا بوده سعى كند عملى بر خلاف اخلاق و نزاكت از او سرنزند. مهمان خداوند متعال بايد به مقام خداوندى حضرت ذى الجلال عارف باشد- مقامى كه ائمه، عليهم السّلام، و انبياى بزرگ الهى هميشه دنبال معرفت بيشتر و شناخت كامل آن بوده‏اند و آرزو داشتند كه به چنين معدن نور و عظمتى دست يابند. و أنر أبصار قلوبنا بضياء نظرها إليك، حتّى تخرق أبصار القلوب حجب النّور فتصل إلى معدن العظمة. ضيافة اللّه همان «معدن عظمت» است. خداوند تبارك و تعالى براى ورود به معدن نور و عظمت از بندگانش دعوت فرموده است، ليكن بنده اگر لايق نباشد نمى‏تواند به چنين مقام با شكوه و مجللى وارد گردد. خداوند تعالى بندگان را به همه خيرات و مبرّات و بسيارى از لذات معنوى و روحانى دعوت فرموده است، ولى اگر آنان براى حضور در چنين مقامات عاليه‏اى آمادگى‏ نداشته باشند، نمى‏توانند وارد آن شوند. با آلودگى‏هاى روحى، رذايل اخلاقى، معاصى قلبيه و قالبيه، چه گونه مى‏توان در محضر ربوبى حضور يافت و در مهمانسراى رب الارباب كه «معدن العظمة» مى‏باشد وارد شد؟

لياقت مى‏خواهد؛ آمادگى لازم است. با روسياهيها و قلبهاى آلوده كه به حجابهاى ظلمانى پوشيده شده است اين معانى و حقايق روحانى را نمى‏توان درك كرد. بايد اين حجابها پاره گردد و اين پرده‏هاى تاريك و روشنى كه بر قلبها كشيده شده و مانع وصال إلى اللّه گرديده كنار رود، تا بتوان در مجلس نورانى و با شكوه الهى وارد شد.[[2]](#footnote-2)

اهل معرفت مى‏گويند حق تعالى براى محبوب خود رفع حجب مى‏كند. و خدا مى‏داند در اين رفع حجب چه كرامتهايى است. غايت آمال اوليا و نهايت مقصد آنها همين رفع حجب بوده، حتّى تخرق أبصار القلوب حجب النّور، فتصل إلى معدن العظمة، و تصير أرواحنا معلّقة بعزّ قدسك. خداوندا، اين نورانيت بصيرت قلوب كه اوليا از تو خواستند و خواهش نمودند به نورانيت آن واصل به تو شوند چه بصيرتى است؟ بار الها، اين حجب نور كه در لسان ائمه معصومين ما متداول است چيست؟ اين معدن عظمت و جلال و عزّ قدس و كمال چه چيزى است كه غايت مقصد آن بزرگواران است، و ما تا آخر از فهم علمى آن هم محروميم تا چه رسد به ذوق آن و شهود آن؟ خداوندا، ما كه بندگان سيه روى سيه روزگاريم، جز خور و خواب و بغض و شهوت از چيز ديگر اطلاع نداريم و در فكر اطلاع هم نيستيم، تو خود نظر لطفى به ما كن و ما را از اين خواب بيدار و از اين مستى هشيار فرما.[[3]](#footnote-3)

1. - اقبال الأعمال، اعمال ماه شعبان، ص 685. مصباح المتهجّد و سلاح المتعبد، ص 374. بحار الانوار، ج 91، ص 97- 99،«كتاب الذكر و الدعاء»، باب 32، حديث 12. [↑](#footnote-ref-1)
2. - جهاد اکبر، ص 36 [↑](#footnote-ref-2)
3. - چهل حديث(اربعين حديث)، ص 432 (نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره)؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور) [↑](#footnote-ref-3)